



نقش امضاء و اثر انگشت از نظر قانونی

هر سندی از امضاء و اثر انگشت کسانی متأثر است . که در تنظیم و نوشتن آن دخالت داشته‌اند . و بدون عوامل مذکور هیچ نوشته‌ای از دید قانونی و قضائی دارای اعتبار قبولی نیست . و از لحاظ حقوقی هم اثری بر آن مترتب نمی‌باشد . عوامل فوق را طبیعت عمل و رسوم و قانون یکی از ارکان اساسی سند قرار داده است . و ما در جریان زندگی اجتماعی روزی نیست که شخصاً با عوامل مزبور سروکاری نداشته باشیم . اما خیلی بندرت در کیفیت و کمیت آنها فکر می‌کنیم . و اطلاعات ما در باره آنها محدود است .

اگرچه خط و کتابت هر نوشته و احیاناً ثبت آن در دفاتر مخصوصی با اعتبار خاصی به آن می‌دهد . و شهود عینی هم در معتبر کردن آن مؤثر است . مع الوصف تأثیر نهائی با عوامل امضاء و اثر انگشت ما صورت واقعی می‌پذیرد .

عدم توجه به تأثیرات امضاء و اثر انگشت مبتنی بر تکرار و تعددی است که هر روز بنا به اقتضای کار و خدمت‌مان که داریم مکرراً انجام می‌دهیم. و باید بی تفاوتی به عمل خود مینگریم. و گرنه چطور ممکن است عملی را که تا این اندازه اثر پراهمیتی در سرنوشت مادی و معنوی ما دارد با بی‌اعتنائی تلقی کنیم. و حتی از شناخت کلی و عمومی آن غفلت نمائیم.

بعضی اوقات اعمال بزرگ ما در اثر تکرار و تعدد بقدری ساده و بی‌اهمیت جلوه میکنند که تا حدودی به عدم خاصیت وجودی و حتی ذهنی ما می‌گیراید. غافل از اینکه همین بی‌اعتنائی و عدم توجه چه عواقب ناگواری برای ما دارد.

تاریخ اجمالی این عوامل

قبل از پیدایش امضاء و اثر انگشت انسان متمددن برای حصول اطمینان به طرف معامله و یا تعهد خود دو مرحله جالب پیموده.

اول زمانی که گرامی‌ترین سرمایه معنوی (شرف و حیثیت اجتماعی) خود را فقط شفاهاً و ثبته اجرای تعهد و قول خود قرار داده و تا روزی که وفا به عهد نموده و دین و تعهد خود را از گردن برداشته است. و دیگر بار (تار موئی از ریش و سیبلیت) خود را به متعهد له یا داین سپرده و آنرا وسیله ضمانت اجرای تعهد و قول خود قرار داده است. این دوره از جالبترین ادوار اجتماعی و اخلاقی اومیشد. در این مرحله فقط آنچه بر روابط جامعه حاکم بود ایمان و صفای ظاهر و باطن میشد. قانون‌گذار و قاضی مأمور اجراء خودش بود و بس.

دوم دوران استفاده از مهر فرا رسیده که يك آلت سنگی یا فلزی بود. و معرف تعلق آن به فردی میشد که اسم و یا عنوان شخص در روی آن نقش می‌بست. و در هر مقام و منزلت علمی و سیاسی و مذهبی وجود داشت. و هرکس بنا به سلیقه

و ذوق و امکاناتش سفارش تهیه آن می نمود. و هر قدر صنعت و تکنیک بشر ترقی نموده به همان اندازه بر ظرافت و ریزه کاری آن افزوده شده. تا حتی المقدور از تشابه و تقلید و احتمالاً از جعل آن جلوگیری شود.

در تاریخ بعد از حمله عرب به ایران موارد متعددی از وجود مهر در صدر فرامین سلاطین و امراء وقت و احکام و فتاوی فقهاء و مجتهدین مکرراً دیده می شود. و بموازات آن اسناد و مدارکی که تحت عنوان یکی از عقود مندرج در فقه از طرف محررین شرعی نوشته شده. اعم از قبائل نکاحیه یا بیع قطعی و تقسیم نامه و غیره مشاهده میشود. که مهر عاقد و محرر و فقیه در آن جای برجسته دارد. و برای معتبر ساختن آنها بصور و اشکال مختلف و عناوین گوناگون بکار رفته است.

ولیکن هر چه بوده و یا فعلاً هم هست. مهر آن عامل سازنده اعتبار اصلی نوشتجات آن روز نمیتوانست از دارنده آن جدا شود. و بدست دیگری بیفتد و مورد استفاده نابجای دیگران واقع شود. خاصه آنکه غالباً فرامین و فتاوی و قبالات با خط منشی تحریر می یافت. و کمتر موردی میشد که صاحب مهر سندی را با خط خود بنسکارد و آنرا مهر کند اینها نگارش هر سندی را از ناحیه خود دون شأن و منزلت خود میدانستند مگر محررینی که در سطح پائین بودند.

بنابراین حفظ و حراست مهر بخصوص در مقامات عالی همیشه دارنده اش را در هراس و نگرانی دائمی میکذاشت. و احتمال مفقود شدن آن نیز مزید بر این واهمه بوده. لذا عده آنرا نگین انگشتر خود می نمودند و جمعی با زنجیر و قیطان مناسبی بر گردن خود می بست. تا مجالی برای سوء استفاده احتمالی نباشد. سلاطین بزرگ را در تاریخ می شناسیم که برای نگاهداری مهر خود آمینی داشتند. و آنرا مهر دار سلطنتی می نامیدند و از آنجائیکه مهر با امور مالی و نقدی مربوط بوده معمولاً عنوان مهر داری با سمت خزانه داری توأم میشد. منهبان و امراء و حکام بفرمان پادشاه زمانی همت میگذازدند و آنرا اجرا می نمودند که

از تعلق مهر به مقام سلطنت و قضا مطمئن می‌شدند. با این حال چه سوء استفاده‌هایی که از مهر برای ساختن اسناد و مدارک مهم و پرارزشی که نشده. و برای شناخت اصالت و تعلق آن به صاحب مهر تحمل رنج و زحمت بسی نتیجه و یا با نتیجه نگشته‌اند.

آنچه محقق شده اینست که پیدایش مهر و استفاده از آن به معنی امروزه بعد از اختراع کاغذ است. زیرا استفاده از این وسیله ملازمه مستقیمی با وجود کاغذ داشته. و حال آنکه مهر که يك برداشت و تقلید صنعتی از سکه است قرن‌ها قبل از پیدایش مهر بوده. و نمونه‌های زیادی از آن نه تنها در موزه‌های بزرگ دنیاست بلکه در دسترس علاقمندان آن نیز میباشد.

اگر مهر در مقدمه پیدایش خود مختص مقامات بالاتر جامعه بوده دیگری نیامده که استفاده اعتباری آن برای مردم عادی و طبقات پایین‌تر هم رسیده است. بازرگان و صنعت‌گر - فلاح و پیشه‌ور و حتی يك دوره‌گرد و پیلهور نیز بتدریج دارای این وسیله شده. و چون در نزد هر کس از نظر اعتبار مادی و معنوی دارای ارزش مخصوصی بوده لذا برای تهیه آن از سنگ‌های نسبتاً قیمتی و فلزات با ارزش از قبیل نقره و امثال آن استفاده نموده‌اند. و بالاخره نوع عمومی آن از برنج یا ترکیب مناسب دیگر شده است. و در ته کیسه پول قرار میگرفت. و در موارد ضرورت از آن استفاده میشد.

بعد از تعمیم مهر تا حدی اختیار اعتبارات اسناد و مدارک از دست فقهاء و محررین شرعی خارج شده طرفین معامله یا متعهدین سندی را که محرر می‌نوشت و مهر میکرد با مهر خودشان تمفید می‌نمودند. تا وسیله دیگری برای تحکیم و اعتبار سند باشد.

نامه‌های خصوصی نیز با اینکه با خط صاحب نامه نوشته میشد در خاتمه با مهر نویسنده مهر شده و پشت پاکت جایی که آخرین گوشه پاکت بسته میشد باز

دارای مهر نویسنده را داشت و بدین وسیله از تعویض پاکت و عدم اطلاع از مندرجات نامه را وسیله جلوگیری باشد .

امضاء (یا پاراف)

محققاً معلوم نیست که امضاء از چه تاریخی معمول شده . همینقدر اگر مهر از اندیشه جهان شرق بوده است . امضاء از ابداعات دنیای غرب شناخته شده و اولین نمونه یا نام آن به قرن سیزدهم میلادی رسیده و منشور و فرمان بزرگ و معروف آزادی انگلستان در ۱۵ ژوئن ۱۲۱۵ میلادی از طرف پادشاه وقت بنام (جان) امضاء شده نهایت اینکه اگر نامه‌های شرقی در آن تاریخ با مشخصات صاحب مکتوب شروع شده نوشته‌های غربی با نام و مشخصات نویسنده ختم میشد و این نظریه بدون تردید است . و بدین ترتیب غربیها از استعمال مهر منصرف شده و علائمی نیز به آن مشخصات افزوده‌اند .

واژه امضاء لغت عربی است . و از نظر دستوری اسم شناخته شده و به معنی گذراندن و روان کردن را گویند و معادل فارسی آن (دستینه) میباشد . که از طرف فرهنگیان در سال ۱۳۱۷ به جای امضاء انتخاب شده . و از نظر اصطلاحی علامت‌ها و خطوطی را گویند که در پای نوشته یا سندی می نویسند که معمولاً قاعده‌ای را مترتب نیست . تقریباً تا صدور فرمان مشروطیت امضاء حتی در مکاتبات اداری نیز معمول و متداول نبوده . و هر نوشته یا دستور اداری با مهر اداره مربوطه ممهور بود . چنانکه تلگرافانی که از مؤسسه کمپانی هند شرقی بوسیله تلگراف خانه‌ها میرسید فقط مهر مربوطه را داشت . و حتی تا سالهای ۱۳۱۸ شمسی مهر تلگرافخانه مبارکه در تلگرافات رسیده منقوش بود . اما همینکه پای مستشاران نظامی و اداری و فنی به ایران رسید فرانسویها و بلژیکیها و نظائر آن امضاء را در بخش دولتی بنام (پاراف) که اصطلاح لاتینی آن است رایج کردند . در حال حاضر در سازمانهای

دولتی واژه (پاراف) به امضاء مختصر و کوتاهی که مقدمه امضاء اصلی است اطلاق میشود. و گاهی به اصل امضاء نیز میگویند.

در حالی که با وجود آشنائی با عمل امضاء تا سال ۱۳۱۰ شمسی که قانون ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی تصویب شده اکثریت باسوادان ایرانی هنوز در مواقع ضرورت باز از مهر استفاده میکردند و هرکس با امضاء و لزوم آن مواجه میشده برای شهادت و احیاناً برای تنفیذ اسناد و مدارك خود سر و کارش با مهر میشد. در آن تاریخ امضاء دارای اثر قانونی شد و موجودیت رسمی آن در درجه اول برای جامعه ایرانی بعنوان يك اثر ویدیده متعلق باو تسجیل و مسلم گردید. و برای بی سوادان اثر انگشت جای امضاء را گرفت و استفاده از مهر در مراجع ثبتی بکلی از میان رفت. و اگر پیدایش مهر وثیقه (تارموی انسان) را برداشت و خود را جانشین آن نموده روزی فرا رسید که امضاء و اثر انگشت بساط مهر عقیق و طلا و نقره و برنجی را برچیده و مهرهای شخصی شکسته شده و اعتباری برای آن باقی نماند مگر در اشخاص حقوقی که مکمل امضاء از لحاظ اعتباری گردید.

امضاء بعد از موجودیت قانونی بدون توجه به کم و کیف آن رایج است. و مورد استفاده میباشد. برای ترسیم آن از لحاظ هندسی تابع هیچ قاعده و تریبی نیست. هرکس برای خود چند خط کج و معوجی که برگزیده بکار می برد. از نقش يك پچه قورباغه یا سوسمار تا شکل يك ناو هواپیمابر برای صاحبان سلیقه عنوان امضاء یافته و گاهی نمای يك دیوار شکسته نام امضاء را دارد. که از لحاظ شناخت صاحب آن دارای هیچ نو خاصیت و اثر راهنمائی نیست.

تفنن و تفاخر یکی از خصوصیات آن شده اینگونه امضاءها که معرف و مشخص هیچ احتیاج و ضرورت خواننده سند و بیننده آن نیست. کاملاً غیر مفید است. علاوه بر اینکه مشکلات غیر قابل حلی در برگرفته هويت صاحب امضاء را

نیز پنهان میکند. در صورتیکه مبتکرین امضاء یعنی اروپائیان همه دارای امضاء روشن و خوانا هستند. و در عین حال مهارت و ریزه کاری را که از لوازم امضاء میشود حفظ کرده‌اند.

بهترین امضاء آنست که نویسنده قبلاً نام و نام خانوادۀ خود را باخط خوانا بنویسد. و سپس هرگونه علامت یا نشانه‌های ترسیمی معقولی که برای خود برگزیده و تا حدودی آن علائمی و خطوط نمودار دو سوم نام خانوادگی باشد بنویسد. و خواننده را برای شناسائی خود بطور غیر مستقیم یاری نماید. نه اینکه او را جهت پیدا کردن هویت خود در گمراهی و سرگردانی قرار دهد.

خطوط ترسیمی هر شخص بنام امضاء مرتباً با حالات مزاجی و روحی و تغییرات سن او در تطور است. و در آن تغییرات چشم‌گیری میدهد. و لو اینکه روزانه تکرار شود. و چون از این طریق شکل و قیافۀ تازه مییابد در ذهن بیننده و خواننده تردیدی بوجود می‌آورد که امضاء از آن کیست؟ بنابراین ضرورت خوانا و روشن بودن آن را اجتناب ناپذیر میکند. محقق دانشمند مرحوم محمود سرشار نایب رئیس کانون و کلاء تهران که روانش شادباد. در یکی از مقالات تحقیقی خود معتقد است که امضاء خوانا و روشن از آن مردمان بزرگ و مبهم و غیر خوانای آن متعلق به افراد ابرتر است. این عقیده با توجه به سوابق مندرجات مهر که (سجع) نامیده میشود کاملاً درست است. زیرا مندرجات مهرها در هر زمانی که بوده معرف کامل صاحبان آنها بوده است. و مهری که مبهم و غیر خوانا باشد مورد استفاده واقع نشده. و حال که امضاء جانشین آن شده بچه دلیل موجهی گمراه کننده و ناخوانا باشد. بخصوص در هنگامیکه مورد رسیدگی جهت تشخیص اصالت آن باشیم.

قواعد و قوانین مصوبه را که مطالعه میکنیم در هیچ مورد از امضاء تعریفی نکرده. و نحوه امضاء و چگونگی آن در دست صاحب امضاء شده. فقط در آئین‌نامه

ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ است که در ثبت هر واقعه باید امضاء کننده نام و نام خانواده خود را بنویسد . و بعد امضاء کند . و چون هر سندی قانوناً میبایستی بزبان و خط فارسی نوشته شود . و خط و زبان فارسی زبان رسمی مملکت بشمار میرود چنین نتیجه میگیریم که امضاء نیز بایستی مآلاً با خط و زبان فارسی نوشته شود و اگر کسی خط و زبان فارسی بلد نباشد در واقع برای مرجع تنظیم سند فارسی همانند این است که او بی سواد است . نهایت بیسوادی او در خط و زبان فارسی میباشد و با او آنچه رفتار میشود که برای بی سوادان محض است .

بنا بر این دوگانگی خط در نوشته و امضاء سند مورد قبول قانون ایران نیست . و اگر در قوانین ثبتی سایر ممالک طرف توجه باشد در مراجع قضائی ما دارای اعتبار حقوقی نمی باشد . و این قاعده هم منطقی بنظر می رسد . برای اینکه اگر امضاء برای این است که مندرجات سند را امضاء کننده فهمیده و به جزئیات آن واقف شده است نداشتن سواد فارسی که ملازمه یکدیگرند قابل قبول نیست . و مانع الجمع هستند . و اگر فرصتی فراهم شد انشاء الله باز با بحث دیگری در خدمت خوانندگان گرامی خواهم بود .

تبریز - ابراهیم خلیل - میثاقی ممقانی